

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال چهارم. شماره شانزدهم. تابستان ۱۳۹۲

صفحات: ۲۲ - ۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۲/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۱

## سهم هر یک از مقیاس های پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده در پیش بینی شادکامی دانش آموزان دختر

محمد رضا بیات\*

عبد الزهرا نعمانی\*\*

ندا اسماعیلی فر\*\*\*

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی سهم هر یک از ابعاد پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده در پیش بینی شادکامی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه بود. این پژوهش از نوع همبستگی بود که در آن ۲۰۰ نفر از بین کل دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر رودهن، به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب و پرسشنامه های شادکامی آکسفورد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی بابایی و همکاران را تکمیل کردند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که بین ابعاد پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده و شادکامی دانش آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده می تواند شادکامی دانش آموزان را به طور موثر پیش بینی کند.

کلید واژگان: شادکامی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده.

\* دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشجوی دکتری تخصصی روان شناسی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول: bayatm60@yahoo.com)

\*\* دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشیار گروه روان شناسی و علوم تربیتی، اهواز، ایران.

\*\*\* دانشگاه خوارزمی، دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، تهران، ایران.

## مقدمه

بر اساس مطالعات و پژوهشها در حوزه زنان، یکی از شاخصهای مهم و اثرگذار بر سلامت جامعه در سطح کلان موضوع سلامت بانوان جامعه میباشد. بر همین اساس آگاهی از سطح سلامت دختران که هم در سلامت خود، خانواده و جامعه و نسل آینده دخیل هستند و شناخت فاکتورهای تاثیرگذار بر آنها ضرورت تحقیق حاضر را ایجاب مینماید. چرا که سلامتی شرط ضروری برای ایفای نقش های اجتماعی است و انسان ها در صورتی می توانند فعالیت کامل و احساس ارزشمندی داشته باشند که هم خود را سالم احساس کنند و هم جامعه آنها را سالم بدانند. یکی از مباحثی که امروزه در حوزه روان شناسی مثبت در زمینه سلامت روان مطرح است موضوع شادکامی<sup>۱</sup> زنان و دختران و متغیرهای اثرگذار بر آن است. شادکامی دختران که مادران نسل آینده هستند مطمئنترین راه نیل به اهداف کلی سلامت و ارتقای کیفیت زندگی<sup>۲</sup> برای همه انسانهاست. شادکامی زنان تاثیر مهمی بر سلامت کودکان، خانواده، جامعه و محیط زیست دارد. این قشر فعال و مهم، اولین مراقبین سلامت خانواده و جامعه هستند بر این اساس آموزش و فرهنگ از طریق سلامت زنان توسعه مییابد. زنان دریافت کنندگان و هم ارائه دهندگان اصلی مراقبتها در نظام سلامت هستند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۶، به نقل از تقی پور، ۱۳۸۹). از سوی دیگر شادکامی بخش مهمی از کیفیت زندگی و بالاتر از هر ثروتی به شمار می رود. در ادبیات پیشین شادکامی را حالت تعادل و هماهنگی میان سه عنصر استدلال، هیجان و امیال و ارسطو آن را زندگی معنوی می داند (عابدی، میرشاه جعفری و لیاقتدار<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). در ادبیات جدید برای مثال آرگایل، مارتین و لو<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) شادکامی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت و فقدان عاطفه منفی و رضایت از زندگی می دانند.

در سالهای اخیر برای تبیین علل و پیامدهای زیستی-روانی شادکامی تلاشهای زیادی انجام شده است (چنگ و فارنهام<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵، نقل از آرگایل و همکاران، ۱۹۹۰) و بیشتر این بررسیها بر عوامل جمعیت شناختی و دیگر متغیرهای اجتماعی-اقتصادی تمرکز کرده اند، ادبیات گسترده ای در مورد ارتباط صفات شخصیتی و شادکامی وجود دارد. به نظر سلینگمن<sup>۶</sup> (۲۰۰۲)، به نقل از علی پور و همکاران، (۱۳۸۹) شادکامی در برگیرنده حالات کوتاه مدت و رگه های بلندمدت مثبت است. این مولفه روانی از عوامل فراوانی تاثیر میپذیرد. برخی از این عوامل عبارتند از: ابعاد مختلف شخصیت همچون درون گرایی، برون گرایی و روان نژندی (مک کری<sup>۷</sup> و کوستا<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱؛ نوری، ۱۳۸۵؛ علی پور و همکاران، ۱۳۸۹)، وضعیت مالی، زندگی خانوادگی، سلامت جسمانی و اشتغال (ایسترلین و

۱. happiness

۲. quality of life

۳. Abedi, Mirshah Jafari, Liaghatdar

۴. Argyle, Martin and Lu

۵. Cheng &amp; Farenham

۶. Seligman

۷. McCrae

۸. Costa

همکاران<sup>۱</sup>، (۲۰۱۰)، معنای زندگی (مالکی، ۱۳۸۷) مذهب (لويس<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۵) و جهت گیری مذهبی (آزموده و همکاران، ۱۳۸۶) و حتی یادگیری مهارتهای زندگی که در جهت افزایش سلامت روان دختران می باشند (آقاجانی، ۱۳۸۱، نقل از زهتاب نجفی و سالمی، ۱۳۹۱). واژه شادکامی چندین مفهوم متفاوت را در ذهن متبادر می کند برای مثال، شادی، خشنودی، لذت... از این رو تعدادی از روان شناسان به اصطلاح خوشبختی ذهنی اشاره می کنند که یک اصطلاح چتری و دربرگیرنده انواع ارزش هایی است که فرد از خود و زندگی اش به عمل می آورد. این ارزشیابی ها، مواردی از قبیل خشنودی از زندگی، هیجان و خلق مثبت و فقدان افسردگی و اضطراب را شامل می شود و جنبه های مختلف آن نیز به شکل شناخت ها و عواطف که عناصر اصلی روانی در زنان هستند نمود می کند (داینر<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۳).

درک مفهوم و بکارگیری مناسب شادکامی، از موارد مهم روان شناسی مثبت گراست. روان شناسی مثبت گرا به عنوان رویکرد تازه ای در روان شناسی، بر فهم و تشریح شادمانی و احساس ذهنی بهزیستی و همچنین پیش بینی دقیق عواملی که بر آنها موثرند، تمرکز دارد. این رویکرد از منظری مثبت گرایانه با ارتقای احساس ذهنی بهزیستی و شادمانی، به جای درمان نواقص و اختلالات سروکار دارد. بنابراین، روان شناسی مثبت نگر تکمیل کننده ی روان شناسی بالینی سنتی است. فهم، درک و شفاف سازی شادمانی و احساس ذهنی بهزیستی، موضوع محوری روان شناسی مثبت نگراست (سلیگمن، ۲۰۰۵). شادکامی چندین جزء اساسی را دربر می گیرد؛ جزء هیجانی که فرد شادکام از نظر خلقی، شاد و خوشحال است، جزء اجتماعی، که فرد شادکام از روابط اجتماعی خوبی با دیگران برخوردار است و می تواند از آنها حمایت اجتماعی دریافت کند و سرانجام جزء شناختی، که باعث می شود فرد شادکام اطلاعات را به روش خاصی پردازش کرده، مورد تعبیر و تفسیر قرار دهد که در نهایت، باعث احساس شادی و خوش بینی در وی می گردد. از این رو، در شادکامی، ارزشیابی افراد از خود و زندگی شان می تواند، جنبه های شناختی، مثل قضاوت در مورد خشنودی از زندگی و یا جنبه های هیجانی از جمله خلق یا عواطف، در واکنش به رویدادهای زندگی را در برگیرد شادکامی یک مسئله نسبی است و نسبت به کیفیت زندگی فرد حساس است برای مثال یک فرد قضاوت هایی را بطور کلی و آگاهانه در مورد خشنودی از زندگی به عمل می آورد و یا به جنبه های خاصی از زندگی مانند تفریحات اشاره می کند (الوویس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴).

اما از سوی دیگر عوامل متعددی می تواند بر افزایش یا کاهش احساس شادکامی مؤثر باشند که از جمله آنها می توان به سطح اقتصادی و رفاه اجتماعی افراد بالخص گروه حساس جامعه که زنان می باشند اشاره کرد. بر این اساس در تحقیقی که منتظری و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان میزان شادکامی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه سلامت از دیدگاه مردم ایران انجام دادند، افراد با وضعیت پایین تر اقتصادی،

۱. Easterlin & et al

۲. Lewis

۳. Diener et al

۴. Allowis

شادکامی خود را کمتر ارزیابی نمودند. این یافته در تایید نتایج تحقیقات ایسترلین و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) است که نشان دهنده ارتباط بین در آمد و میزان شادکامی است.

در مطالعه ای با بررسی رابطه بین نابرابری در آمد و شادکامی در آمریکا (کوپر و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱) چنین استدلال شده است در سال هایی که میزان نابرابری در آمد کمتر بوده شادکامی افراد بهتر بوده است. نتیجه مهم تر آن است که فقر مادی و احساس بی عدالتی منجر به کاهش شادکامی در افراد خواهد شد. بر اساس نتایج این مطالعه شهر محل سکونت نیز با ارزیابی وضعیت شادکامی در افراد ارتباط داشته و شهروندان ساکن شهرهای درجه اول و دوم وضعیت شادکامی پایین تری را نسبت به ساکنان شهر درجه سه گزارش کرده اند. در حقیقت برای شهرهای کوچکتر شادکامی بهتری بر آورد شده است. این امر می تواند به عواملی نظیر مشغله کاری، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، تراکم بیشتر جمعیت بستگی داشته باشد. بر این اساس افراد در سطوح پایین تر اقتصادی در مقایسه با افراد در سطح اقتصادی خوب/ بسیار خوب به صورت معناداری وضعیت شادکامی خود را کمتر ارزیابی نموده بودند. افراد در سطوح اقتصادی ارزیابی شده در دسته بندی «نه خوب/نه بد، بد و بسیار بد» به ترتیب به احتمال ۱/۷۵، ۲/۱۴، ۲/۳۳ برابر نسبت به افراد دارای وضعیت اقتصادی بسیار خوب، وضعیت شادکامی خود را نامناسب تر گزارش کرده بودند. در تحقیق عابدی و همکاران (۲۰۰۶) آمده است که ارتباط بین تحصیلات و شادی مثل ارتباط بین ثروت و شادی است. یعنی در کل نمی توان گفت هر چه تحصیلات بالاتر باشد، شادکامی بیشتر می شود. ولی از آن جا که ممکن است افراد با تحصیلات بالاتر حداقل به اندازه تامین نیازهای اساسی زندگی، در آمد داشته باشند، بنابراین کم بودن میزان شادکامی آن ها ممکن است به این دلیل نباشد. ولی در مجموع بین میزان تحصیلات و شادی ارتباط حتمی وجود ندارد.

بر این اساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی از کاربردترین متغیرهای مستقل در تحلیل رفتارها، ایستارها و عقاید افراد مخصوصا زنان و موقعیت آنها در سلسله مراتب اجتماعی است (آینلی و لونگک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵). برای مطالعه پایگاه اعم از اجتماعی - اقتصادی دو رهیافت اصلی ذکر شده است، یکی متعلق بر عامل اقتصادی و نابرابری در مالکیت اصرار دارد و دیگری بر عوامل غیر اقتصادی همچون پایگاه و حیثیت اجتماعی و بهره مندیهای متفاوت از منزلت اجتماعی در کنار عوامل اقتصادی تاکید دارد. نظریه پردازان دیگری نیز در تعیین قشربندی اجتماعی در جامعه، بر عوامل مختلف تاکید کرده اند. برای مثال، درندورف<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) بر برخورداری متفاوت از قدرت و اقتدار سیاسی، بورديو بر نوع مصرف و سبک زندگی و گیدنز<sup>۵</sup> (ترجمه صبوری ۱۳۸۲) بر آموزش و مهارت های اجتماعی، به عنوان عوامل تاثیر گذار بر تعیین قشربندی اجتماعی تاکید کرده اند. در مجموع پایگاه مجموعه ای از سه شاخص ثروت، قدرت و منزلت است که هر چند به صورت آرمانی جدا در نظر گرفته می شوند، اما در واقعیت

۱. Easterlin

۲. Cooper et al

۳. Ainley & Long

۴. Derndourf

۵. Gidenz

دارای تداخل و در هم تنیده هستند (نقل از ای بی اس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴؛ آینلی و لونگ، ۱۹۹۵). ثروت نسبت به زوایای دیگر ساده تر از همه تعریف می شود. کلی ترین تعریف، ثروت را حق استفاده از کالاها و خدمات از هر نوع می داند که می تواند با امکان خرید و مصرف، سبک زندگی افتخار آمیز ایجاد کند و از طریق فرمان راندن بر دیگران و مزایای فرصتهای زندگی با کنترل بر سرنوشت خود، عامل قدرت نیز باشد. ثروت دو بخش است و میتواند دارایی و یا درآمد ناشی از حقوق، دستمزد، درآمد ناشی از کسب و کار، بهره و سود سهام سرمایه گذاری (درآمد بدون کار و زحمت) باشد (بریتن و هیس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳). منزلت اجتماعی با نامهای متعددی همچون شهرت زیاد، نام و آوازه، احترام، توجه، تکریم و غیره خوانده می شود. منزلت قدر و اعتباری است که مردم یک جامعه به طور متوسط در مورد یک شغل یا نوع از افراد در نظر می گیرند. قدر و منزلت یک کارمند و یک پزشک، یک معلم و یک بازاری بسیار متفاوت است. در این تحقیق منزلت از طریق موقعیت تحصیلی و شغلی خانواده سنجیده میشود. پایگاه ذهنی<sup>۳</sup> در اصطلاح «خود تشخیصی»<sup>۴</sup> یا «خودارزشی»<sup>۵</sup> در نظام پایگاه بندی نامیده می شود. تجربه نشان داده است سؤال مستقیم در باره نظر شخص برای تعیین پایگاه اجتماعی خود پاسخگو را دچار سردرگمی میکند و گاه حتی خود را خارج از نظام طبقاتی ذکر میکنند. در اینجا هر فردی با توجه به گروه مرجعی که خود را منتسب به آنها می داند، پایگاه اجتماعیش را تعیین میکند. این سوال به صورت دیگری نیز میتواند مطرح شود و آن این که فکر می کنید آنهایی که شما را شخصا میشناسند، شما را در چه پایگاهی قرار می دهند؟ گروه هایی که دارای منزلت یکسانی هستند، وجوه زندگی مشخصی دارند. در بسیاری از جوامع تنها براساس درآمد نمی توان منزلت را تعیین نمود، مانند «نولتان» که حین بهره مندی از فرصتهای زندگی اقتصادی، کاملاً مورد قبول گروه های منزلت عالی نیستند. این دسته در واقع در حال آشنایی با خصوصیات گروه منزلت بسیار عالی هستند. گروه های منزلت، امکانات ازدواج را نیز تعیین میکنند، زیرا افراد دارای منزلت واحد، از بین اشخاص هم منزلت خود همسر اختیار می کنند. گروه های منزلت امکانات شغلی را نیز تعیین میکنند، زیرا ورود به یک گروه حرفهای تنها مستلزم برخورداری از استعداد لازم نیست بلکه وجود علایم تعلق به گروه مورد نظر نیز لازم است. در مطالعه های ایزن<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) به بررسی تاثیر برخورداری مالی و سطح درآمد روی فرایندهای محیطی و رضایت از زندگی و شادکامی پرداختند آنان دریافتند. برخورداری مالی و میزان درآمد فعلی با میزان رضایت از زندگی و شادکامی رابطه مثبت معنی داری دارد. نتایج مطالعات کاپوتو<sup>۷</sup> (۱۹۹۸) و داینر و همکاران (۱۹۹۳) حاکی از یک همبستگی کوچک، اما معنی دار بین تحصیلات و شادمانی است. آنان اینطور بیان می کنند که همبستگی بدست آمده بین تحصیلات و شادکامی، در افراد کم درآمدی توان به نقش تحصیلات در

۱. ABS

۲. Britten & Heath

۳. Mental Status

۴. Self-Recognition

۵. Self-Value

۶. Eisen

۷. Kapouto

ایجاد علایق وسیع تر که منجر به فراهم آمدن منابع شادمانی بیشتری می گردد، نسبت داد. بخش اعظمی از ارتباط بین تحصیلات و شادمانی از همبستگی تحصیلات با موفقیت شغلی و درآمد ناشی می شود. لارسون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، با بررسی عوامل مالی، نشان دادند که در جوامع فقیر، عوامل اجتماعی همبستگی بیشتری با خوشنودی از زندگی دارد تا در جوامع ثروتمند. از نظر آنان در جوامع فقیر نه تنها مساله غذا و سرپناه بلکه دسترسی به تجربه شایستگی، دنبال کردن علایق و ایجاد و حفظ روابط نیز با موانع روبرو است. به همین دلیل، عوامل مادی در این جوامع تعیین کننده تر از جوامعی است که اکثر شهروندان آن به منابع اصلی دنبال کردن اهدافشان، دسترسی دارند. میکالوس<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) معتقد است که بخشی از شادکامی و خوشبختی از طریق مقایسه با استانداردهای اجتماعی تعیین میشود. از نظر او مردم با مشاهده اطرافیانشان و مقایسه خود با دوستان و آشنایان و یادآوری گذشته، اهداف و استانداردهایی را انتخاب میکنند. اگر از این استانداردها بالاتر باشند شادکام و خوشنود می گردند و چنانچه پایین تر از آن باشند، شادکامی و خرسندی اندکی خواهند داشت (داینر، ۲۰۰۵). در این رابطه ویلیامز و نس<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) معتقدند که ارتباطهای متراکم، به ویژه فیلمها و برنامه های تلویزیونی، همه ما را به گروههای رقابتی تبدیل کرده است. بنابر نظریه آنان، در محیطهای قدیمی، شانس بیشتری برای خوب بودن وجود داشت و امروزه ما در حال رقابت و مقایسه خود با افرادی هستیم که در دنیا جزو بهترین ها می باشند. از آنجا که نمیتوانیم به زندگی خیالی که در تلویزیون می بینیم برسیم، در ما افسردگی و حسد افزایش و در نتیجه شادکامی کاهش می یابد (باس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). در این رابطه کنریک و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) دریافتند مردانی که زنان خود را با زنان برتری مقایسه می کنند یا زنانی که مردان خود را با مردان برتری مقایسه می کنند، سطح تعهدات زناشویی، استواری زندگی خانوادگی و شادکامی آنها کاهش می یابد. پینکر<sup>۶</sup> (۱۹۹۷) یکی از موانع شادکامی واقعی را حسادت ناشی از مقایسه های بیجا می داند که افراد بصورت کاذب با شکست دیگران، شادکام می گردند. تیلور و همکاران<sup>۷</sup> (۱۹۹۷)، با بررسی پژوهشها اینطور نتیجه گیری کردند که داده های پژوهشی از یک الگوی مقایسه اجتماعی حمایت می کند. در این الگو مردم بصورت انتخابی دیگران را به منظور مقایسه بر می گزینند. گاهی آنان، یک فرد خیالی را خلق می کنند که برای رسیدن به هدفهایش مورد مقایسه قرار دهند. از نظر آنان، نظریه مقایسه اجتماعی بیانگر آن است که مردم با مقایسه خود با دیگران، به برانگیختن خودشان کمک کرده و شادکامی و خوشبختی ذهنی خود را از طریق این مقایسه تغییر می دهند (تیلور و همکاران، ۱۹۹۷).

به اعتقاد وبر<sup>۸</sup> (۱۹۹۶)، نقل از احمد، دانش مهر و شاکری، ۱۳۸۹، پایگاه به حرمت یا احترام اجتماعی

۱. Larson et al

۲. Micalus

۳. Williams and Ness

۴. Buss

۵. Kenrik et al

۶. Pinker

۷. Taylor et al

۸. Weber

اطلاق می گردد که به افراد یا گروه ها واگذار می شود. تحول در مفهوم قشربندی جامعه، بیانگر این واقعیت است که مفهوم مذکور، تحت تاثیر عوامل متعدد، پیچیده و درهم تنیده شکل می گیرد، از این رو، در مقاله حاضر، از اصطلاح پایگاه اجتماعی-اقتصادی استفاده می شود، با این فرض که واژه ی پایگاه، از انعطاف مفهومی بیشتری برخوردار است و غیر از بعد اقتصادی (درآمد و ثروت)، بعد فرهنگی (تحصیلات) و بعد اجتماعی (منزلت شغلی) را نیز شامل می شود. از این رو، در حال حاضر، طیف وسیعی از پژوهشگران، هنگام بررسی نظام قشربندی، از اصطلاح پایگاه اجتماعی-اقتصادی استفاده می کنند. کار<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) اشاره می کند که هر چه محیط زندگی لذت بخش تر باشد، بطور قابل ملاحظه ای با شادکامی و رضایت از زندگی بیشتری نیز همراه است. این محیط می تواند هم کشور، شهر و محله و هم محیط خانه و امکان دسترسی به اسباب شادی (به عنوان نمونه موسیقی) را در بر گیرد. داینر<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در دانشگاه ایلی نویز دریافت، مللی که از نظر اقتصادی ناموفق اند دوره های شادکامی کنترل شده و محدودتری دارند. معمولاً مردم کشورهای فقیر به خاطر نداشتن زندگی مجلل ناراضی هستند. ولی در کشورهای ثروتمند مثل آمریکا نیز افزایش در آمد منجر به افزایش سطح آسودگی ملی نمی شود. در کشورهای پیشرفته، افراد خیلی پولدار شادی نسبتاً ثابتی را نسبت به افراد متوسط دارند؛ زیرا، آنها خودشان را بهتر از دیگران می بینند. این توضیحات از تئوری مقایسه اجتماعی بدست آمده که بر این باور است شادی هر فرد بر پایه دریافت اختلافات بین موقعیت خودمان و دیگران است (وود<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶). در کشورهای اقتصادی پیشرفته مردمی که پول در آوردن از هر هدفی برایشان مهم تر است کمتر از استانداردهای زندگیشان راضی هستند. این ممکن است بخاطر مراحل جمع آوری پول باشد که با برخوردهای اجتماعی و روانی منجر به شادکامی می شود (مایرز و دینر، ۲۰۰۰).

بر اساس مطالب بالا که ذکر شد می توان بیان کرد از آنجا که دختران نوجوان در مقطع متوسطه در حال نقش آموزی برای ایفای نقش همسری، مادری و زن بودن هستند، این دوره دوره ی حساسی تلقی می شود و هر گونه اختلال در نقش آموزی منجر به کاهش سلامت روانی آنان و در نتیجه به دلیل نقش تربیتی عمیق و مستقیم زنان و دختران با سایر اقشار جامعه، سلامت و شادکامی کل جامعه را در خطر قرار می دهد. شادکامی دختران تضمین کننده ی سلامت روان نسل آینده و ارتقادهنده ی شادکامی افرادی است که در آینده با این گروه انسانی مهم سروکار خواهند داشت (استادیان، فنواتی و کجباف نژاد، ۱۳۹۰) با توجه به عوامل ذکر شده، هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه ی بین مولفه های پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده (قدرت، ثروت، منزلت) و شادکامی دانش آموزان دختر است.

## روش پژوهش

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری:

جامعه ی آماری پژوهش حاضر، شامل تمام دختران دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رودهن

۱. Carr

۲. Wood

بود که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه بر اساس حجم نمونه انتخاب شده در سه تحقیق قبلی ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد و از آنجا که امکان تهیه لیست از کل دانش آموزان دختر مقطع متوسطه در شهر امکانپذیر نبود و آزمودنیها به شکل خوشه و گروه در مدارس شهر حضور داشتند برای انتخاب آنها از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. بدین منظور در مرحله اول از بین مدارس دوره متوسطه شهر رودهن ۲ دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب شد. در مرحله ی دوم از هر دبیرستان ۵ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و در مرحله ی سوم از هر کلاس ۲۰ نفر دانش آموز انتخاب شد.

### ابزار پژوهش

**الف) پرسشنامه شادکامی آکسفورد:** این پرسشنامه در میان پرسشنامه های شادکامی، پرسشنامه شادکامی آکسفورد جایگاه ویژه ای دارد. این پرسشنامه در سال (۱۹۸۹) توسط آرگایل و لو<sup>۱</sup> تهیه شده است. این پرسشنامه بیست و نه ماده دارد (نوربالا و همکاران، ۱۳۸۱). دارای ۵ مقیاس به شرح زیر است: رضایت از زندگی، خلق مثبت، سلامتی، کفایت و عزت نفس. آزمون شادی آکسفورد در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل و لو تهیه شده است و دارای ۲۹ ماده شش گزینه ای است. که براساس یک طیف شش درجه ای از ۱ تا ۶ نمره گذاری می شود و نمره آزمودنی ها بین ۲۹ تا ۱۷۴ در نوسان است. فرانسیس و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) همسانی درونی آزمون را به روش آلفای کرونباخ راقابل قبول گزارش کرده است. اعتبار این آزمون در ایران توسط علی پور و نوربالا (۱۳۷۸) با ۱۰۱ آزمودنی ۰/۹۲ گزارش شده است. هیلز و آرگایل ضریب اعتبار پرسشنامه را ۰/۹۱ و همبستگی درونی آیتم ها را بین ۰/۴ تا ۰/۶۵ گزارش کرده اند. همچنین همبستگی مثبت بالایی بین این پرسشنامه با آزمونهای دیگر (آزمون جهت گیری زندگی، شاخص توجه زندگی، آزمون حرمت خود و مقیاس رضایت مندی از زندگی) بدست آمده است که نشان دهنده روایی این پرسشنامه است (نقل از هیلز و آرگایل، ۲۰۰۱). پایایی به روش آلفای کرونباخ و تنصیف این پرسشنامه در تحقیق حاضر به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۵ به دست آمد.

**ب) پرسشنامه پایگاه اقتصادی و اجتماعی بابایی و همکاران (۱۳۷۲):** این تست شامل ۲۴ سوال به روش پنج گزینه ای طیف لیکرت طراحی شده است و سه مولفه اساسی قدرت، ثروت و پایگاه اجتماعی یک خانواده را می سنجد. این آزمون دارای اعتبار محتوایی و پایایی آن ۰/۸۲ گزارش شده است (فردرو، ۱۳۷۸). برای اولین بار در ایران توسط بابایی (۱۳۷۲)، نقل از فردرو، (۱۳۷۸) به منظور اعتباریابی، رواسازی و هنجاریابی آزمون پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، پرسشنامه بر روی گروه نمونه ای به حجم ۱۰۷۳ نفر (۵۶۰ دختر و ۵۱۳ پسر) از دانش آموزان دبیرستان شهرستان ساوه و حومه که با روش نمونه برداری چند مرحله ای انتخاب شدند اجرا شده است. ضریب اعتبار آزمون با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲ به دست آمد. اجرای روش تحلیل مولفه های اصلی در پژوهش درباره روایی پرسشنامه

۱. Oxford Happiness Inventory

۲. Argyle and Lue

۳. Francis et al



نشان می دهد که مواد پرسشنامه به گونه کلی با یک عامل همبسته است. چرخش عامل ها به شیوه کوارتیماکس برای ساده سازی ساختار پرسشنامه نشان می دهد که ساختار نظری پرسشنامه با بار عاملی دست کم ۰/۳ تشکیل میدهد. پایایی به روش آلفای کرونباخ و تصنیف این پرسشنامه در تحقیق حاضر به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸۳ به دست آمد.

### فرضیه تحقیق

بین مولفه های پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده (قدرت، ثروت، منزلت) و شادکامی دانش آموزان دختر رابطه مثبت وجود دارد.

### یافته های پژوهش

#### جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد شاخصهای مورد مطالعه ی پژوهش

خطای استاندارد	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانگین	
۰/۷۳	۸/۴۵	۳۳	۹۶	۸۱/۹۱	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
۰/۹۶	۵/۴۹	۱۶	۷۱	۶۳/۹۱	شادکامی

#### جدول ۲. خلاصه ی مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون شادکامی بر ابعاد پایگاه اقتصادی-اجتماعی رگرسیون شادکامی بر خرده مقیاسهای پایگاه اقتصادی و اجتماعی

SE	R <sup>2</sup>	R	P	F	Ms	df	SS	
۱۸/۴۶۶	۰/۱۴۴	۰/۳۷۹	۰/۰۱۲	۲/۵۹۹	۸۸۶/۴۱۴	۸	۷۰۹۱/۳۱۲	رگرسیون
					۳۴۱/۰۰۸	۱۹۲	۴۲۲۸۴/۹۴۴	باقیمانده
						۲۰۰	۴۹۳۷۶/۲۵۶	کل

  

P	T	Beta	SEB	B	متغیر
۰/۰۰۰۱	۴/۴۷۵		۹/۴۱۴	۴۲/۱۲۱	ثابت
۰/۰۱۴	۲/۴۸۵	۰/۲۴۶	۰/۶۹۳	۱/۷۲۱	قدرت
۰/۰۲۵	۲/۴۲۱	۰/۲۱۳	۰/۷۶۷	۱/۵۰۸	ثروت
۰/۰۰۱	۳/۴۲۴	۰/۳۲۳	۰/۴۶۶	۱/۵۹۵	منزلت

جدول ۲ خلاصه ی مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون شادکامی بر ابعاد پایگاه اقتصادی-اجتماعی را نشان می دهد. همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، نسبت F مشاهده شده معنادار است ( $P < ۰/۰۱۲$  و  $R^2 = ۰/۱۴۴$ ). نتایج بر آورد مدل معنادار در جدول ضرایب رگرسیون نشان می دهد که ضرایب تاثیر ابعاد پایگاه اقتصادی-اجتماعی با توجه به آماره ی t بر آورد می شود که این متغیرها (قدرت، ثروت و منزلت) می تواند تغییرات مربوط به شادکامی را در دانش آموزان پیش بینی کند.

### بحث و نتیجه گیری

در تحقیق حاضر تلاش شد که به این سوال پاسخ داده شود که آیا بین مولفه های پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده (قدرت، ثروت، منزلت) و شادکامی دانش آموزان دختر رابطه مثبت معنادار وجود دارد. با توجه به یافته ها با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت بین شادکامی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. پس فرضیه حاضر تأیید شد. نتیجه این فرضیه همسو با تحقیقات کوپر و همکاران (۲۰۱۱)، کار (۲۰۰۳)، داینر (۲۰۰۵)، وود (۱۹۹۶) منتظری و همکاران (۱۳۹۱)، ایسترلین (۲۰۱۰)، ویلیامز و نس (۲۰۰۷) و میکالوس (۲۰۰۰) و ناهمسو با نتیجه تحقیق مایرز (۲۰۰۰) است. آثار شادی وقتی بروز می کنند که احساس ذهنی شاد بودن، کیفیتی از رفاه کلی شخص است و نه توهمی درباره احساسی است که هیچگونه ربطی به شادی اصیل ندارد و رفاه کلی شخص ترکیبی از ثروت و جایگاه و قدرت اجتماعی خانواده در اجتماع است. از بزرگترین نعمتهایی که در آفرینش انسان به ودیعت نهاده شده وجود هیجان هاست که نقش موثری را در زندگی ایفا می کنند، زندگی انسان در تمامی مراحل رشد حتی از ابتدای کودکی مملو از هیجان هاست که بدون آنها حیات بشری بی روح، تیره و ماشینی می نماید. همچنین سلامت روانی و عقلانی انسان تا حدودی به سلامت هیجانی او وابسته است و در کارکرد آدمی و میزان موفقیت او تاثیر به سزایی دارد. یکی از مهمترین موثرترین پدیده های هیجانی (شادی و نشاط) است که آثار مثبت و مهمی در زندگی انسان دارد. شادی برای انسان یک ضرورت است و به زندگی معنا و مفهوم می بخشد. شادکامی احساسی است که همه خواهان آن هستند و در تلاش برای رسیدن آن می باشند. شادی موهبت بزرگی است که باید آن را جستجو کرد، غنیمت شمرد و به دیگران نیز منتقل کرد. اما پیشرفت های سریع فناوری و اطلاع رسانی، علی رغم مزایای فراوان، مشکلاتی را برای انسان معاصر بوجود آورده است. موج فزاینده افسردگی، پایین آمدن سن خودکشی، افزایش طلاق و بزهکاری و بسیاری از مشکلات روحی - اجتماعی دیگر از واقعیت های انکارناپذیر هستند که نشان می دهد گویا شادی از جوامع بشری رخت برسته است. شادی و نشاط یکی از گمشده های انسان معاصر است. این موضوع امروزه ذهن روان شناسان و محققان را به خود جلب کرده است که این امر موجب انجام تحقیقات زیادی در این باب شده است. در یک مطالعه فراتحلیلی که او کان و همکارانش (۱۹۸۴) انجام دادند، دریافتند که همبستگی بین شادمانی و سلامتی ۳۲٪ است. این همبستگی برای زنان و مردان مسن و در مورد سلامت ذهنی قوی تر بوده است و رابطه منفی با سلامت پایین دارد. بسیاری از مطالعات نشان داده که چگونه یک همبستگی منفی قوی بین افسردگی و ویژگی های شادمانی و رضایت از زندگی وجود دارد. وین و هاوان (۱۹۹۴) و هیدی و ویرینگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) چندین مطالعه نشان دادند که شادکامی به عنوان یک سپر در مقابل استرس عمل می کند (خوش کنش، ۱۳۸۷). زندگی متمدن امروزی از پیچیدگی خاصی برخوردار است و از پیامدهای

۱. Ocan & et al

۲. Win & Haven

۳. Hidi & Wiring

منفی آن می تواند فرسودگی جسمی و روانی باشد. به منظور مقابله با چنین اثرات مخربی می توان شادی و شادکامی را در جامعه ایجاد کرد. به عبارتی، رسیدن به شادی و شادکامی، مطلوب هر انسانی است و برای ایجاد آن از هیچ تلاشی کوتاهی نمی کند. مسلماً هر چه شادی در جامعه بیشتر رواج پیدا کند، روح امیدواری و تلاش نیز بیشتر می شود. نباید از نظر دور داشت که درصد زیادی از جمعیت کشور ما را دانش آموزان و دانشجویان دختر تشکیل می دهند، بدین لحاظ توجه به مسایل آنها می تواند نقش مهمی در ارتقاء بهداشت و سلامت روانی جامعه داشته باشد. افراد شاد از عزت نفس بالاتری برخوردارند و خودشان را دوست دارند. به اخلاقیات توجه دارند و عقلایی رفتار می کنند احساس کنترل بیشتری را در خود احساس می کنند، در انجام امور بیشتر به توانایی های خود می اندیشند تا به درماندگی و ناتوانی ها، با استرس مقابله می کنند. خوش بین هستند، موفقتر، سالم تر و شادتر از افراد بدبین هستند بر نگر هستند و در ارتباط و همکاری با دیگران توانمندند از زندگی لذت می برند و انرژی روانی بیشتری دارند (کرمی نوری و همکاران، ۱۳۸۱). وجود این صفات و ویژگیهای روانی که در اثر شادمانی و ناشی از عوامل محیطی مثل پایگاه اجتماعی و فرهنگی است در زنان جامعه که پرورش دهندگان نسل آینده و مظهر عطف و احساس در خانواده هستند می تواند تضمین کننده دنیای بهتر برای هر جامعه قلمداد شود. از سوی دیگر فینچام و وستمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) معتقد است که اثرات روانی شادی کمتر از جسمانی آن نیست، به طوری که باعث می شود انسان، احساس قدرت و سبکی کند و احساسات مبهم و دردناک، سردردهای گنگ و گهگاهی، احساس تنبلی و خیالات بی پایان، نگرانی های ناشی از خودخواهی و... را از بین می برد در واقع این نشانه ها نیز می تواند اثرات جانبی حالات محیطی و اجتماعی نیز باشد، که این نکته نیز می تواند دلیلی بر یافته حاضر باشد.

### پیشنهادهای کاربردی

با توجه به این که شادکامی یک ویژگی ارتقا پذیر است، با اعمال روش های مداخله ای (آموزش) مبتنی بر آموزش شادکامی، متعاقباً سلامت روان نیز افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین، یکی از گروه های هدف مناسب برای چنین مداخلاتی دختران هستند. شادکامی دختران تضمین کننده سلامت روان نسل آینده و ارتقا دهنده شادکامی افرادی است که در آینده با این گروه انسانی مهم سروکار خواهند داشت. به لحاظ تاثیر و کارایی روش های روان شناختی در ارتقای سطح بهداشت روانی جامعه دانش آموزان و دانشجویان، پیشنهاد می شود در این زمینه کارگاه های آموزشی مهارتهای زندگی و مهارت های مقابله ای و نیز سمینارهای روان شناسی در دبیرستان ها و دانشگاه ها برگزار گردد. اجرای برنامه های آموزشی و پیشگیرانه به منظور بالا بردن سطح نشاط در بین دانشجویان به خصوص دانشجویان دختر که در شرف انتخاب نقش مادری و همسری هستند می تواند به بهبود بهداشت روانی و ارتقای تحصیلی آنان و سلامت روانی همسران و فرزندانشان در آینده کمک نماید. با توجه به اهمیت شادکامی به عنوان یک شاخص مثبت و اختلال های روان شناسی به عنوان شاخص منفی از بهداشت

۱. Finchaam & Westman

روانی از یک سو و از سوی دیگر با توجه به اینکه جمعیت دانشجویی زنان به عنوان یک جمعیت جوان و آینده ساز کشور است این ضرورت آشکار می شود که برای جلوگیری از هدر رفتن منابع مادی و معنوی آموزش و پرورش، باید به مساله سلامت روانی و شادکامی دانش آموزان و دانشجویان دختر توجه بیشتری نمود و اقداماتی در جهت بررسی بیشتر عوامل مرتبط با سلامت روانی و شادکامی آنها صورت گیرد.

### منابع

- آزموده، پیمان، شهیدی، شهریار، دانش، عصمت. (۱۳۸۶). رابطه ی بین جهت گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی در دانشجویان، مجله روانشناسی، ۱۱(۱)، ۶۰-۷۴.
- استادیان، مریم، فنوتی، بهمن، کجباف نژاد، هادی. (۱۳۹۰). رابطه شادکامی و سلامت روان در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۵(۲)، ۴۷.
- تقی پور، ملیحه. (۱۳۸۹). بررسی حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد رودهن.
- خوش کنش، ابوالقاسم و کشاورز افشار، حسین (۱۳۸۷). رابطه شادکامی و سلامت روانی دانشجویان. مجله اندیشه و رفتار، ۲(۷)، ۴۱-۵۲.
- رشید، احمد، دانش مهر، حسین و شاکری، شاهد. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین عناصر خرده فرهنگ دهقانی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی روستاییان (بررسی موردی: بخش لاجان شرقی، شهرستان پیرانشهر) توسعه روستایی، ۳(۲).
- زهدتاب نجفی، عادل، سالمی، صفورا (۱۳۹۱) اثربخشی آموزش مهارت زندگی در کاهش اضطراب زنان مطلقه، مجله علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره ۱۳، ص ۸۵-۹۳.
- علی پور، احمد، هاشمی، تورج، باباپور خیرالدین، جلیل، و طوسی، فهیمه (۱۳۸۹). رابطه ی بین راهبردهای مقابله ای و شادکامی دانشجویان، فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، ۵(۱۸).
- فردرو، محسن (۱۳۷۸) پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی. (منطقه ۳ و ۱۹ شهر تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کرمی نوری، رضا، مکرمی، آذرخش، محمدی فر، محمد، یزدانی، اسماعیل (۱۳۸۱). مطالعه موثر بر احساس شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران، مجله روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۲(۱).
- گیدنز، آنتونی. جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۸۲)، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- مالکی، کفایت. (۱۳۸۷). رابطه بین معنی زندگی و راهبردهای مقابله ای با احساس شادکامی در دانشجویان دانشگاه تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- منتظری، علی، امیدواری، سپیده، آذین، سید علی، آیین پرست، افسون، جهانگیری، کتابون، صدیقی، ژیلا، عبادی، مهدی، فرزندی، فرانک، مفتون، فرزانه، طاووسی، محمود، هدایتی، علی اصغر، (۱۳۹۱).

میزان شادکامی مردم ایران و عوامل موثر بر آن: مطالعه سلامت از دیدگاه مردم ایران. فصلنامه پایش، ۱۱(۴)، ۴۷۵-۴۶۷.

نوربالا، احمد علی،، علی پور، احمد. (۱۳۷۸). شادکامی و عملکرد ایمنی بدن، مجله ی روان شناسی ۴(۳).  
نوربالا، احمد علی،، محمد، کاظم، و باقری یزدی، سید. علی. (۱۳۸۱). بررسی وضعیت سلامت روان در افراد ۱۵ سال و بالاتر در جمهوری اسلامی ایران. مجله حکیم، ۵(۱)، ۱-۱۰.  
نوری، طاهره . (۱۳۸۵). بررسی رابطه شادکامی و ویژگی های دموگرافیک، شغلی و شخصیتی کارکنان دادگستری اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران.

- Abedi, M. R., Mirshah Jafari, S. E., Liaghatdar, M. J. (2006). Standardization of the oxford Happiness Inventory in students of university. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 12, 95-100.
- ABS (1994). Information Paper. 1991 Census Socio-Economic Indexes for Areas. Catalogue Number 2912.0. Australian Bureau of Statistics. Adaptive behavior (pp. 64 – 94). New York: Springer.
- Ainley, J., & Long, M. (1995). Measuring Student Socioeconomic Status. In J. Ainley, B. Graetz, M. Long, & M. Batten (Eds.), *Socioeconomic Status and School Education* (pp. 53-76). Canberra: AGPS.
- Allowis, R. (2004). Psychological stress among undergraduate medical students. *Medical Journal of Malaysia*, 59(2), 207-11.
- Argle, M., Martin, M., Lu, L. (1995). Teasting for stress and happiness: The role of social and cognitive factors. In: CD Spielberger, & IG Sarason (Eds.). *Stress and emotion*. Taylor & Francis: Washington DC.
- Argyle, M., & Lu, L. (1989). Happiness and cooperation. *Personality and Individual Differences*, 12, 1019-1030.
- Argyle, M., Martin, M., & Andlu, L. (1990). The happiness of extraverts. *Personality And Individual Differences*, 1011-1017.
- Britten, N., & Heath, A. (1983). Women, Men and Social Class. In E. Gamarnikow, D. Morgan, J. Purvis, & T. D. (Eds.), *Gender, Class and Work* (pp. 46-60). London: Heinemann.
- Buss, T. (2008). Guidelines for national indicators of subjective well -being and ill-being. Available online at [www.wanumd.Edu/cgraham/courses/does/puaf69](http://www.wanumd.Edu/cgraham/courses/does/puaf69).
- Carr, D. (2003). Global Equity Strategy. *Journal of psychology of Happiness*.
- Cooper, C., Bebbington, P., Livingston, G. (2011). Cognitive impairment and happiness in old people in low and middle income countries: results from the 10/66 study. *Journal of affective disorders*, 130, 198-204.
- Derndorf, S. M. (1998). Health and happiness in young Swiss adults. *Qul life Res*, 14(2), 171 – 178.
- Diener, E. (2002). Frequently Asked Question (FAQ'S) about Subjective Well-being (Happiness and Life Satisfaction). A printer for report and new comers. <http://WWW./s. psych. uivc. edu/-ediener/fag. html>.
- Diener, E. ,Oishi, S., & Lucas, R. E. (2003). Relations among happiness, and mental health of adolescents. *Psycho Rep*, 98(2), 715 – 732.
- Diener, E., Sandvik, E., Pavot, W., & Fujita, F. (1993). Extraversion and subjective well-being in a US national probability sample. *Journal of Research in Personality*, 26, 205-215.

- Diener, E. (2005). Guidelines for national indicators of subjective well – being and ill – being. Available online at [www.wanumd.Edu/cgraham/courses/does/puaf69](http://www.wanumd.Edu/cgraham/courses/does/puaf69).
- Easterlin, R. A., McVey, L. A., Switek, M., Sawangfa, O., Zweig, J. S. (2010) The happiness-income paradox revisited. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 107, 22463-68.
- Eisen, T. M. (2006). Health and happiness in young swiss adults, Quality of care until. Geneva University Hospital, Geneva, Switzerland.
- Finchaam, E. & Westman, M (2008). Does Hardiness Moderate Stress and How? A review.
- Hidi, E., & Wiring, S. (1992). Personality, Culture subjective well-being: Emotional and Cognitive evaluation of life. *Annual Review of psychology*, 54, 403-425.
- Hill, P., & Argyle, M. (2001). Happiness, introversion-extraversion and happy introverts. *Personality and Individual Differences*, 30, 595-608.
- Kapouto, M. (1998). Heterogeneity in the relation between income and happiness: A conceptual-referent-therapy explanation. *Journal of Economic psychology*, 28, 1- 14.
- Kenrik, O. S., Davey, P. T., Savla, J., & Whitfield, K. E. (2004). Replicating the NEO PI-R factor structure in African-American older adults. *Personality and Individual Differences*, 43, 1279-1288.
- Larson, P. E., Yarcheski, A., Yarcheski, T. J. (2006). Happiness as related to wealth and position. *Clinical Nursing Research*, 14(2), 175 – 190.
- Lewis, A. C., Maltby, J., & Day, L. (2005). Religious Orientation, Religious Coping, and Happiness among UK adults. *Personality and Individual Differences*, 38(5), 1193-1202.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1991). The full five factor model and well being. *Personality and Social psychology Bulletin*, 17(2), 227-232.
- Micalus, D. (2000). Political violence, ethnic conflict, and contemporary wars: broad implications for health and social well being. *Social Science and Medicine*, 63, 142-159.
- Myers, D. G., & Diener, E. (2000). Who can be a happy individual? *Journal of Psychological Science*, 7(21), 10-19.
- Ocan, C., Schupp, J., Tucci, I., & Wagner, G. G. Coleman, B., & Wallace, J. M. (1984). Authentic Happiness Theory Supported by Impact of Religion on Life Satisfaction: A Longitudinal Analysis with Data for Germany. *The Journal of Positive Psychology*, 1, 73.
- Pinker, R. (1997). How do we define happiness. Dordrecht: D. Reidel Publishing Company.
- Seligman, M. (2002). Happiness, Satisfaction & Socioeconomic Conditions: some international evidence.
- Seligman, M. (2005). Relationship between happiness and personality. *Personality and Individual Differences*, 19, 251-258.
- Taylor, S., & Griffin, D., Tversky, A. (1997). Endowment and contrast in judgment of well-being. In F. Strack, M. Argyle, & N. Schwartz (Eds.), *Subjective well-being*. Oxford: Pergamon.
- Williams, M. D., & Ness, P. (2007). Spirituality, religiousness, and happiness in adolescents aged 13–19 years. *Journal of Happiness Studies*, 11(2), 121-148.
- Win, D., & Haven, R. (1994). Happiness in nations, subjective appreciation of life in 56 nations. Riverside Publication. *Studies in Social and Cultural Transformation nr2*. Erasmus University Rotterdam. Netherlands.
- Wood, G. (1996). Development as happiness: The subjective perception of happiness and analysis of poverty, wealthy and development. *Journal of Happiness studies*, 12, 85-121.